

جواب فروغی بمطبوعات انگلیس

راجع بشرح حال وزندگانی مرحوم محمد علی فروغی اعلیٰ الله مقامه براهنمائی و مساعدت فرزندان دانشمند او، کتابی در دست تألیف است که عجالة برای نمونه قسمتی از مندرجات آنرا در هر شماره از مجله بغما درج میکنیم.

در سال ۱۹۱۹ میلادی در موقع انعقاد کنفرانس صلح فروغی رئیس نمایندگان نامه‌ای بانجمن صلح راجع بدعاوی ایران تقدیم داشته که مورد تفسیر و اعتراض جراید انگلیس قرار گرفته و شرحی بعهه ذیلا چاپ میشود جوابی است که فروغی بجراید داده است. نامه تقدیمی بانجمن صلح را هم در شماره های بعد درج میکنیم.

باید دانست این نامه ها بانگلیسی و فرانسه و فارسی همه بانشاء فروغی است که متن آن ان شاه الله در کتاب مزبور بطبع خواهد رسید. وهم از اشارت بدین نکته دقیق نگذریم که ممکن است برخی از رجال و سیاستمداران کشور، و بعضی از دوستان فروغی در بسیاری از موارد باوی هم عقیده و همداستان نبوده اند و نباشند، اما ما سزاوار ندانستیم که در این اسناد اندک تغییر و تحریف یا حذف واقعاتی پدید آید زیرا خلاف امانت و انصاف نسبت بتاریخ و رجال تاریخی است.

بعضی از جراید انگلیس نسبت بتقاضاهای دولت ایران در کنفرانس صلح تنقیداتی کرده از جمله میگویند: دعاوی زیاد میکند و بهتر آن که دعاوی ارضی را کنار گذاشته از مطالبه خسارات هم که منتج نتیجه نخواهد شد صرف نظر کرده فقط در باب استقلال خود اهتمام مینمود و جد و جهد میکرد که در کنفرانس صلح شرکت پیدا کند. در این تنقیدات اشتباهاتی هست که باید رفع شود.

اولا اینکه نمایندگان ایران در نیمه فوریه عرضحالی بکنفرانس صلح تقدیم کرده، تقاضای شرکت در کنفرانس را نموده، دلایل متقن برای خود در این تقاضا اقامه کردند و همانوقت هم بعضی از جراید انگلیس نامهربانی خود را نسبت بایران اظهار نمودند.

اماد رخصوص اینکه «نمایندگان ایران خوبست هم خود را مصروف استقلال ایران بنمایند» اولاً اینکه استقلال ایران اصل مسلمی است که هیچیک از دول - حتی آنها که شاید در صدد محواستقلال ایران بودند - انکار نداشتند و اکنون هم هیچکس مدعی نیست که ایران نباید مستقل باشد، چنانکه عضویت یافتن دولت ایران در مجمع ملل بعنوان

اعضای اصلیه مبنی بر همین اصل است، الا اینکه در ظرف چند سال از طرف بعضی دول همسایه ایران بعضی اقدامات شده که ایرانیها آنرا منافای استقلال ایران میدانند و نمایندگان ایران در صدد هستند که آن اقدامات را که بعضی از آنها فقط عملی و برخی بصورت قرارداد و نوشته در آمده باطل نمایند و همچنانکه بعضی از جراید نصیحت کرده اند این قسمت از منظورات را نمایندگان ایران از همه بیشتر اهمیت میدهند و چون بحسن عدالت خواهی دول معظمه اطمینان دارند و صحت این دعاوی محل تردید نیست امیدواری کامل دارند که در این باب موفقیت حاصل خواهند نمود و شرکت ایران در مجمع ملل این امیدواری را تأیید مینماید .

اما نسبت به خسارات ؛ دولت ایران چگونه از آن صرف نظر نماید ، در صورتیکه نصف آبادیهای مملکت بواسطه عملیات جنگی دول متحارب بکلی خراب، هزارها از مردم تلف شده ، صد هزارها بیخانمان و در بدر بیابان گردیده ، کرورها خسارت وارد آمده ، و هر گاه جبرانی از این صدمات نشود سالهای متمادی ملت ایران در زندگانی عاجز و درمانده خواهد بود . در ایام جنگ و اوقاتی که دول متحارب این عملیات را میکردند دولت ایران مکرر الزام مسؤلیت آنرا برایشان نموده و خودشان تصدیق کرده . بلکه کتباً تعهد جبران خسارات نموده اند . و اما اینکه میگویند مطالبه خسارات منتج بنتیجه نخواهد شد ، تصدیق نداریم . چه مانعی هست بر اینکه خساراتی که از ناحیه عثمانی وارد آمده جز ، قروض آن دولت منظور گردد ؛ و نسبت بدولت روس هم اگر فعلاً تمام استرداد خسارات ممکن نیست قسمتی از آنرا دولت ایران وسیله برای وصول دارد و در لایحه خود اشاره بدان نموده است . دولت سابق روس که مؤسس این خرابیها بوده مبلغی از دولت ایران طلبکار است و علاقجات زیادی در خاک ایران دارد . آن طلب را میتوان محو و آن علاقجات را ضبط نمود و نمایندگان ایران از کنفرانس صلح تصدیق این اصل را میخواهند که ایران حق این اقدام را دارد و در واقع بنظر نمیآید که نتوان این تصدیق را دریغ کرد و دولت ایران این حق را برای خود حاصل شده میدانند .

اما نسبت بدعاوی ارضی باید دانست دولت ایران بهیچوجه طمع و توقع زیادی

ندارد، و اگر دعوی ارضی نموده از راه طماعی نبوده. موجبات این دعوی یکی اینست که اراضی مزبور سابقاً متعلق بایران بوده و بزور و غصب از ایران گرفته شده و اعاده آن بایران عدالت است. دیگر اینکه در بسیاری از نقاط مزبور اهالی آنجا که یا ایرانی الاصل هستند، یا بایرانیها مناسبات تامه دارند خودشان تقاضا کردند که در تحت لوای ایران قرار بگیرند، و نیز یک منظور عمده دولت ایران در این قسمت از دعوی این است که سرحداتی برای دولت ایران معین شود که مثل سرحدات امروزه از روی هوای نفس دول همسایه تعیین نشده، بر طبق مبانی صحیحه طبیعی، و طوری بوده باشد که دولت ایران در محافظت آنها دچار اشکالات نباشد. و بالاخره در این خصوص دولت ایران بکافی مطالب را بنظر حقگزاری کنفرانس صلح و امیکس ندارد داخل کشمکش بیجا نخواهد شد.

یک مطلب را خوست باز یاد آور شویم که گاهی اوقات بنظر میرسد بعضی از مفرضین ایران میخواهند زهرمه کنند که ایرانیها نمیتوانند مملکت خود را اداره نمایند و باید دیگری از آنها سرپرستی کند. اگر چه مطالعه لوایح و مقالاتی که نمایندگانی ایران منتشر کرده اند جواب این حرف را خوبی میدهد لیکن باز میگوئیم: ایرانیها که در ظرف سه هزار سال تاریخ ملی خود مملکت خود را در کمال خوبی اداره کرده، و غالباً جزء دول معظمه بلکه اعظم دول بوده، و هر وقت بر حسب پیش آمد روزگار لطمه بآنها وارد آمده در اندک مدتی جبران آنها نموده اند، چگونه نمیتوانند مملکت خود را اداره کنند؟ اشتباه در اینست که در سنوات اخیر که تغییر اوضاع کلی خاصه در ممالک اروپا مستلزم آن شد که در ایران هم اوضاع تغییر کند، دولت و ملت ایران در مقابل همسایگان پرزور جبار طماع واقع شد که هر چه خواست برای اصلاح حال خود جد و جهد کنند مانع تراشی آنها ساعی او را باطل کرد، و حتی اینکه ایرانیها توسل بسرمایه و معلومات فنی خارجی هم شدند و از خارجه در این خصوص استمداد کردند و در این راه هم دول متعددی همسایه ایران سنگ انداختند. بلکه ممانعت صریح کردند. اگر ایران در این چند سال اخیر آنطوریکه باید اداره نشده، بواسطه انواع اشکالات خارجی از دسایس

و جهل و اعمال جبر و زور و غیره بوده، و هر گاه از این بیعد اعمال سابق الذکر متروک شود و ایرانیها را بگذارند که بطوریکه منظور نظر خودشان است با مساعدتهای مادی و معنوی دوستان خود مشغول کار شوند، یقین است که در کمال خوبی از عهده اداره مملکت خود بر خواهند آمد و ایران یک عنصر ترقی بسیار خوبی برای دنیا خواهد شد، و هیچ دولت و ملتی هم محتاج نخواهد بود که بار سرپرستی ایران را که بار سنگینی است بردوش بگیرد.

حسد خداوند!

هر دوت گوید: «وقتی که خشیارشا دید که تمام سطح هلس پونت (بوغاز داردانل) را کشتیها فرو گرفته و هر دو طرف ساحل آن پر است از مردان جنگی، خود را سعادتمند دانست، ولی پس از آن اشک از چشمانش سرازیر شد. اردوان ملتفت شده چنین گفت: شاهها، جهت آن شادی و این اشکها چیست؟ خشیارشا جواب داد: مجزون هستم از اینکه می بینم عمر انسان چقدر کوتاه است و صدسال دیگر از این سپاهیان یک نفر باقی نخواهد بود. اردوان گفت: ما در زندگانی به چیزی بر میخوریم، که از این فکر تو دردناکتر است، زیرا، با وجود کوتاهی عمر انسان، یک نفر سعادت مند در میان این انبوه لشکر یا خارج از آن نیست که بالاخره مرگ نخواهد. بدبختیها و امراض مولم کاری میکنند که این عمر باین کوتاهی هم بنظر ما دراز میآید. بنابراین مرگ برای ما پناه گاهی از تحملات طاقت فرساست. خدا در ابتدا لذت وجود را بما می چشاند و بعد بر آن حسد می برد.

(ایران باستان)